خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۶ . ۱۲ ذی القعده ۱۴۳۸ .شماره ۱۹۶۰۰

سید محمد طباطبایی
(۱۲۹۹-۱۲۲۱هـ.ش)

از علمای بنام ایران در دوره مشروطه و از رهبران جنبش بود. او در زمره علمایی قرار داشت که در مهاجرت صغری حضور داشتند و خواستار تأسیس عدالت خانه شدند. پس از به توپ بستن مجلس، توسط محمدعلی شاه، آیت ا... طباطبایی به خراسان تبعید شد و مدتی در مشهد زندگی کرد. او پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان، به این شهر بازگشت و به حمایت از مشروطیت پرداخت.

گزارش تاریخی

چرا ترامپ اجازه انتشار اسناد کودتا را داد؟

طی چند دهه اخیر، تمام اسناد و مدارکی که دال بر دخالت سازمان سیا در کودتا علیه دولت دکتر مصدق و سرنگونی وی بود، از جمله اسناد همچنان محرمانه و غیر قابل انتشار به شمار می آمد؛ اما اکنون، یعنی در دولت دونالد ترامپ، ناگهان انتشار این اسناد بلامانع اعلام می شود. به چه دلیل یا دلایلی، رئیس جمهور آمریکا تصمیم گرفته است چنین دستوری صادر کند؟ وزارت خارجه آمریکا در سکوت کامل و بدون جار وجنجال، اقدام به انتشار اسناد تا قبل از آن محرمانه و غیر قابل انتشاری کرد که موضوع آن ها، درباره اقدامات براندازانه عوامل دولت آمریکا، در سال ۱۹۵۳، در ایران است. این اسناد، دیدگاهی جدید درباره عملیات سیا و سرویس امنیت خارجی بریتانیا یا همان MI6، ارائه می دهد. به گزارش سایت تاریخ ایرانی، به نقل از روزنامه آلمانی «Die Welt»، البته نقش ویژه سازمان سیا در سرنگونی دولت دکتر مصدق و تحکیم پایه های حکومت محمدرضا پهلوی، از مدت ها پیش، به اندازه کافی مشخص و معلوم بود؛ زیرا پیش از این، یعنی در سال ۱۹۸۹ نیز، وزارت خارجه آمریکا، اولین گزارش های جمع آوری شده درباره آن دوران را منتشر کرد؛ اما در آن گزارش، اثری که نشان دهنده دخالت آمریکا در آن کودتا باشد، وجود نداشت. به هر حال، اسناد تازه منتشر شده، تصویری مفصل تر و جامع تر از آن چه را در دهه های پیش، در ایران رخ داده است، ارائه می دهد. اسناد منتشر شده در ماه جولای، از نیروهای محرکه و انگیزه های مداخله کشورهای غربی در کودتا علیه مصدق حکایت دارد. به عبارت بهتر، این اسناد از ترس و وحشت عمیق ایالات متحده از گسترش کمونیسم و تلاش های بی وقفه بریتانیا برای دسترسی دوباره به صنعت ملی شده نفت سخن می گوید. این گزارش هزار صفحه ای که حاوی نامه ها و یادداشت های روزانه دیپلماتیک است، نشان می دهد که چگونه اعضای دولت آمریکا از یک سال پیش از آن رویداد، درباره یک کودتا صحبت می کردند. در همان حال که آمریکا بابت احتمال نفوذ شوروی در ایران نگرانی های زیادی داشت، بریتانیا در زمینه وضعیت پالایشگاه ملی شده آبادان، بحث و مشاجره می کرد؛ همان پالایشگاهی که در آن زمان، بزرگ ترین پالایشگاه نفت جهان محسوب می شد. برخی از کارشناسان و تحلیل گران غربی به این مسئله اشاره کردند که در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، به دلیل مذاکرات اتمی با ایران، انتشار این اسناد با تردیدهای زیادی روبه رو بود، زیرا در آن زمان، دولت اوباما تلاش می کرد تنش ها را با تهران کاهش دهد تا بتواند به توافقی با ایران دست پیدا کند؛ اما جانشین اوباما، یعنی دونالد ترامپ، به ادامه خصومت ورزی علیه ایران اعتقاد دارد. دولت جمهوری خواه آمریکا، تنها دو ماه برای انتشار این اسناد صبر کرد. این سرعت غیر معمول برای انتشار اسناد محرمانه، این باور را تقویت می کند که این تصمیم ترامپ انگیزه و دلایل سیاسی داشته است.

به مناسبت صد و یازدهمین سالروز امضای فرمان مشروطه

مشروطیت؛ تبلور آزادی خواهی ایرانیان

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

«مخبرالسلطنه هدایت»، درباره شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران در آستانه انقلاب مشروطه، در کتاب «گزارش ایران»، می نویسد: «ایران را بی سامانی و پریشانی فرا گرفته [است]، روس از یک سو می کِشد، انگلیس از یک سو، عثمانی هم سری توی سرها در می آورد. دولت یک جا، ۲۲/۵ میلیون روبل، در صد پنج، یک جا، یازده کرور تومان، در صد چهار، به دولت روس مقروض است، دویست و نود هزار لیره به انگلیس. گمرکات وثیقه قرض است. خزانه خالی و دولت محتاج پول ... مردم، آن که در شمال است، خودش را به روس بسته، آن که در جنوب است، به انگلیس. وزرا چشمشان به دهان سفارتین است ... شاه مریض است و گرفتار به درد خود، رجال دولت همه در فکر منفعت، فکری که در هیچ کله [ای] نیست، فکر مملکت است. اگر چند نفری در این فکرند، مغلوب اکثریت اند. مردم چیزهایی شنیده اند و آرزوهایی در دل دارند. همین در سینه ها مختفی است، تا کِی بترکد ...» به راستی کشور در آستانه قیامی عمومی قرار داشت. ظلم و بیدادی که پس از استقرار قاجارها بر سریر قدرت، دامن گیر ایرانیان شد، کاسه صبر ملت را لبریز کرده بود. شکست های پی در پی و جدا شدن بخش های وسیعی از خاک ایران، فقر و ناامیدی ناشی از بی درایتی و بیدادگری حکمرانان و نیز چپاول ثروت های مادی و معنوی کشور توسط بیگانگان، هر روز، بیش از پیش، مردم را وادار می کرد تا در پی راه چاره ای باشند. ایران، به انبار باروتی شبیه بود که برای انفجار، تنها به یک جرقه نیاز داشت؛ جرقه ای که با وقوع چند اتفاق، بالاخره انبار باروت را منفجر کرد.

■ **وقایعی که زمینه ساز قیام شد**

یکی از اتفاقاتی که باعث بروز قیام عمومی و طرح نخستین خواسته های ملت در برابر حکومت استبدادی شد، بی حرمتی «عسگر گاریچی» به بانوانی بود که قصد تشرف به قم و زیارت حرم مطهر حضرت معصومه (س) را داشتند. درباره «عسگر گاریچی»، اطلاعات چندانی در دست نیست. همین قدر می دانیم که وی فردی لاابالی و فاسدالاخلاق بود که با زد و بند، توانسته بود حق حمل و نقل مسافر از تهران به قم را به دست آورد. «عسگر گاریچی»، با راضی نگه داشتن مقامات و پرداخت رشوه، انحصار حمل و نقل در مسیر قم–تهران را چند سال در اختیار داشت. ستم های مکرر او به مسافران، که عموماً زوار بودند، باعث اعتراض علما به حکومت قاجار شد، اما این اعتراضات فایده ای نداشت. ظاهراً، مدتی پیش از شروع جنبش مشروطه، «عسگر گاریچی»، پس از باده گساری، قصد اهانت به چند بانوی زائر را داشت که مورد عتاب پیرمردی قرار می گیرد؛ اما او به جای دست برداشتن از رفتار خود، به سراغ پیرمرد می رود و پس از ضرب و جرح شدید وی، ریش پیرمرد را می بُرد. بازتاب این عمل زشت و زننده، اوج گرفتن اعتراضات عمومی بود، به طوری که برداشتن «عسگر گاریچی» از راهِ قم، به عنوان نخستین مطالبه علما و مردم، پس از مهاجرت به ری و تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) (مهاجرت صغری)، مطرح شد.

■ **مهاجرتی که بی ثمر بود**

«سید هاشم قندی» و «سید اسماعیل خان سرهنگ»، دو بازرگان خوش نام و معتبر بازار تهران بودند. این دو، سن و سال بالایی داشتند و به نوعی، معتمد بازاریان محسوب می شدند. با شروع جنگ میان روسیه تزاری و ژاپن، که به شکست روس ها منجر شد، قیمت قند در بازار افزایش یافت. ظاهراً بیشتر واردات قند ایران از روسیه بود و جنگ پیش آمده، وقفه ای در واردات قند به وجود آورد. در پی این اتفاق، «علاءالدوله»، حاکم تهران، که از قبل از این دو بازرگان کدورتی داشت، آن ها را احضار کرد و به بهانه گران شدن قند، به چوب بست. در پی این اقدام، بازار تهران تعطیل شد و بازاریان در مسجد شاه، اجتماع کردند و خواستار تعقیب حاکم تهران و اجرای عدالت شدند. با این حال، به تحریک «امام جمعه»، که وابسته به دربار بود، فراشان به معترضان حمله و تعدادی را مجروح کردند. این اقدام، زمینه ساز نخستین گام در مسیر شکل گیری جنبش مشروطه شد. روز بعد، علمای تهران، از جمله مرحوم «سید محمد طباطبایی» و «شیخ فضل ا... نوری»، راهی ری شدند و در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن کردند. این تحصن حدود یک ماه طول کشید و در نهایت، با وساطت سفیر عثمانی و وعده شاه برای تحقق خواسته های متحصنان، پایان یافت. برخی از خواسته های متحصنان حرم حضرت عبدالعظیم (ع) عبارت بود از: «۱- نبودن عسگر گاریچی در راه قم؛ ۲- بنای عدالت خانه در ایران؛ ۳- اجرای قانون اسلام درباره آحاد و افراد بدون ملاحظه احدی و ۴- عزل علاءالدوله از حکومت تهران.» با این حال، متحصنان از وعده های شاه، طَرفی نبستند. شاه، «علاءالدوله» را عزل و «نیرالدوله» را (که به تعبیر «ناظم الاسلام» بدتر از «علاءالدوله» بود) به جای وی منصوب کرد. درباره تأسیس عدالت خانه هم، هیچ اقدامی انجام نشد.

نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی

■ **کارشکنی های «عین الدوله»**

«عین الدوله» که از طرف شاه، مأمور رسیدگی و اجرای درخواست های متحصنان شده بود، به خواسته های مردم توجهی نکرد و با تبعید تعدادی از حاضران در تحصن، عملاً نشان داد که قصد انجام اصلاحات را ندارد. او حتی به نصایح خیرخواهانه «آیت ا... سید محمد طباطبایی» هم وقعی ننهاد. «ناظم الاسلام» در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» می نویسد: «[طباطبایی به عین الدوله گفت:] کاری بکنید که نام نیکی از شما در عالم بماند و در صحایف تاریخ بنویسند بانی مجلس و عدالت خانه، عین الدوله بوده و از توان یادگار در ایران باقی بماند. این فرمایشات و نصایح در او اثر نکرد، بلکه از شنیدن لفظ مجلس، اگر چه آقای طباطبایی به کنایه ادا فرمود، ابرو در هم کشید و مکدر شد.»

■ **سخنرانی شورانگیز «آیت ا... طباطبایی»**

«آیت ا... طباطبایی» دریافت که اصولاً دربار و به ویژه «عین الدوله»، قصد ندارد به وعده خود عمل کند. او به همین دلیل، روز ۱۴ تیرماه ۱۲۸۵، درست یک ماه پیش از امضای فرمان مشروطه توسط «مظفرالدین شاه»، سخنرانی معروف خود را، خطاب به مردم، ایراد کرد. اهمیت این سخنرانی تاریخی، از آن رو است که در آن، خواسته های اصیل و راستین ملت، عنوان شده است. در این سخنرانی، خبری از اصطلاحات و واژگان غربی، برای بیان مقصود نیست. به نوشته «ناظم الاسلام»، «آیت ا... سید محمد طباطبایی» در بخشی از این سخنرانی، خطاب به حضار، می گوید: «وا...، به اجداد طاهرینم و به صد و بیست و چهار هزار پیغمبر قسم است که مقصود ما یک کلمه عدل است. مگر مملکتی که پادشاه هست نباید مجلس عدلی بوده باشد؟» او سپس به افشای ماهیت «عین الدوله» می پردازد: «اینک به شما اعلام می دهم، امروز هم باعث ظلم یک نفر شده است که اتابک [عین الدوله] باشد، او را علاج کنید.» «آیت ا... طباطبایی» با عتاب، مردم را مورد خطاب قرار می دهد و ضمن فراخواندن آن ها به قیام، می گوید: «چه کنیم که همین مقصود حرف های مرا نمی فهمید و عمل نمی کنید. گوش به موعظه و نصیحت نمی دهید. کو کسی که بفهمد ... نه غیرت در شما مانده و نه تعصب. همین است که ظلم ها روز به روز زیادتر می شود. وقتی حاکم دید که مردم کنیز و غلام اویند، معلوم است دیگر، آن وقت زنی ببیند می برد و هر جا مال و مِلک خوبی دید، تصرف می کند.» او در پایان سخنانش تصریح می کند: «در سَر این مقصود باقی هستیم. اگر یک سال یا ده سال طول بکَشد، ما عدل و عدالت خانه می خواهیم، ما اجرای قانون اسلام را می خواهیم، ما مجلسی می خواهیم که در آن مجلس شاه و گدا در حدود قانونی مساوی باشند. ما نمی گوییم مشروطه و جمهوری، ما می گوییم مجلس مشروعه و عدالت خانه.» این سخنرانی، باعث هیجان عمومی شد و مردمی را که از ظلم و تعدی به جان آمده بودند، آماده مبارزه کرد؛ مبارزه ای که یک ماه بعد، با امضای فرمان مشروطیت توسط «مظفرالدین شاه»، در ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵، به ثمر رسید. با این حال، پیروزی مردم به سادگی میسر نشد و وقایع و موانع متعددی در مسیر تحقق آن به وجود آمد.

بازیگران تاریخ

علی اکبر سیاسی؛ مردی با دو چهره متفاوت

دکتر علی اکبر سیاسی، در سال ۱۲۷۴ (هـ.ش) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه و بعد، در مدرسه خرد و مدرسه سلطانی طی کرد؛ سپس وارد مدرسه سیاسی شد و با گذراندن امتحان مربوطه، جزو دانشجویانی شد که به خرج دولت ایران، برای ادامه تحصیل، به اروپا اعزام می شدند. او در معیت گروهی متشکل از ۲۳ دانشجو، به سرپرستی مسیو ریشار خان، به پاریس رفت و پس از مدتی در دانشگاه روآن به تحصیل مشغول شد. وی در همان زمان، نام خانوادگی «سیاسی» را با اشاره به دوره تحصیلش در مدرسه سیاسی تهران، برگزید. علی اکبر خان، به دلیل آغاز جنگ جهانی اول، ناچار شد به ایران بازگردد. او پس از بازگشت به وطن، در دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی به تدریس مشغول شد. وی تحت تأثیر جریان های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا، با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند، در سال ۱۳۰۶، دوباره به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن به ادامه تحصیل در رشته روان شناسی مشغول شد. سیاسی در سال ۱۳۰۹ موفق به دریافت درجه دکترا در رشته روان شناسی شد. او در سال ۱۳۱۰ به ایران بازگشت و به ریاست اداره تعلیمات عالیه وزارت فرهنگ منصوب شد. وی در تدوین قانون تاسیس دانشگاه تهران مشارکت کرد. به ابتکار سیاسی، دانش سرای مقدماتی و دانش سرای عالی برای تربیت معلم در ایران تاسیس شد. او پس از تاسیس دانشگاه تهران، از اداره تعلیمات عالیه استعفا کرد و به تدریس در دانشکده ادبیات مشغول شد. سیاسی در سال ۱۳۲۱، در کابینه احمد قوام، وزیر فرهنگ بود. تا آن زمان، دانشگاه تهران زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می شد و مانند یکی از اداره های این وزارت خانه بود. دکتر سیاسی کوشید دانشگاه تهران را از وزارت فرهنگ مستقل کند و بالاخره، در ۱۵ بهمن ۱۳۲۱، استقلال دانشگاه را اعلام کرد. با وجود این اقدامات، او هم از جمله شخصیت های متأثر از شبه مدرنیسم غرب گرای عصر رضاخان بود. به عبارت دیگر، شخصیت او وجه دیگری نیز داشت و آن، تاثیر پذیرفتن از استبداد رضاخان بود. وی در دوران کشف اجباری حجاب، از سیاست های پهلوی اول حمایت کرد؛ حتی برخی مورخان، دکتر سیاسی را از جمله روشنفکرانی می دانند که جزو طراحان و مشوقان شاه در ماجرای کشف حجاب بوده است. وی پس از کناره گیری از ریاست دانشگاه، به تدریس در دانشکده ادبیات پرداخت و به مقام استاد ممتاز رسید. دکتر علی اکبر سیاسی سرانجام در خرداد ۱۳۶۹ در ۹۶ سالگی در تهران درگذشت.